

فصلنامه مطالعات فرهنگی - دفاعی زنان
پیاپی اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۸۴

معرفی کتاب: نقش و کارکرد زنان در بحران*

تهیه کننده: مهدی زروندی

زنان نظامی جهان، نیمه دوم قرن بیستم میلادی را دوران به رسمیت شناخته شدن حضور و نقش خویش در قلمرو فعالیتهای نظامی و امنیتی می‌دانند، زیرا مبارزه آنان که از نخستین روزهای شروع جنگ جهانی اول برای به رسمیت شناخته شدن نقشهای مهم و کارکرد خود در قلمرو نظامی و امنیتی آغاز کرده بودند، در نیمه دوم قرن بیستم با اعطای نقشهای حساس نظامی و امنیتی به آنان به نتیجه رسید و از آن پس، پندار رایج ((ناتوانی زنان در انجام کنشهای رزمی و امنیتی)) بتدریج رو به افول نهاد. زنان جهان به رسمیت شناخته شدن حضور خود را در قلمرو نظامی و امنیتی به آسانی به چنگ نیاوردند. آنان در بحرانهای مختلف قرن بیستم، علی‌رغم مخالفت آشکار مقامات نظامی و سیاسی، داوطلبانه

* نویسنده: دکتر محمد حسین الیاسی و دیگران، نقش و کارکرد زنان در بحران، تهران، دفتر امور زنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.

گامی بلند برداشتند و با ایفای نقشهای متنوع، نشان دادند که در بسیاری از حیطه‌های نظامی و امنیتی قابلیت و مهارتشان کمتر از مردان نیست.

در مکتب اسلام، زن موجودی است که در خلقت با مرد برابر بوده و مخاطب کلام الهی و مسئول به ادای تکلیف و شایسته بندگی و عبادت پروردگار عالم است. او می‌تواند رسالتش را در عرصه زندگی اجتماعی و سیاسی با معرفت، بصیرت و اراده مستمر به انجام رساند. تاریخ معاصر ایران شاهد گویایی بر حضور همه جانبه و موثر زنان مسلمان، شجاع و آگاه ایران در صحنه‌های پیروزی انقلاب اسلامی و بحرانهای امنیت داخلی؛ مثل کردستان و حماسه هشت سال دفاع مقدس بوده است. به گونه‌ای که می‌توان گفت: این انقلاب بدون حمایت آنان به پیروزی نمی‌رسید. هم اکنون مشارکت زنان جمهوری اسلامی ایران در مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی کشور، مشارکتی جدی، آگاهانه و عالمانه است که نشان‌دهنده رشد و کمالات انسانی زنان ایران اسلامی می‌باشد.

زنان مومن و انقلابی، زنانی که در پیروزی انقلاب سهم بودند و در حماسه دفاع مقدس سهم داشته و نیروی عظیم زنان و دختران جوانی که هم اکنون بیش از ۵۰٪ دانشگاهیان را تشکیل می‌دهند، می‌توانند در رشد و آگاهی و بیداری جوانان و حضور در صحنه‌های تعیین سرنوشت، کارساز باشند و با اعتقادات خود، نسبت به حفظ کشور کمک و از بروز بحران جلوگیری کنند.

فاصله و تفاوت بین سطوح و مبانی دو مکتب اسلام و لیبرال - دموکراسی، به علت تضاد کامل الگوها، ارزشها، اعتقادات و مبانی دینی مسلمانان و نگرش آنها نسبت به انسان، هستی، مادیات، سلطه پذیری، عدالت اجتماعی، همزیستی مسالمت آمیز و قواعد بین المللی با مبانی لیبرال - دموکراسی بسیار

زیاد است. زیرا فاصله و تفاوت بین سطوح و مبانی این دو تمدن کاملاً در تضاد است. و اینجاست که آن جدال بزرگ فرهنگی شکل می‌گیرد.

از طرفی نیز فروپاشی مرزها، تمایز جنسیت‌ها از یکدیگر، تحت تأثیر خاستگاه لیبرال دموکراسی، باعث بروز یک جدال فرهنگی شده است. در واقع؛ نقشهای یکسان به جنسیت‌های مختلف زن و مرد، وارد کردن این دو در حریم آسیب‌پذیریهای یکدیگر و توجه نداشتن به استعدادها منحصراً به فرد هر یک از این دو قشر، عامل آسیب‌رسانی اخلاقی مضاعفی در جامعه جهانی شده است. ممکن است به نظر برسد که این دیدگاه به تقویت جنبش برابری زن و مرد در جهان کمک کرده و حتی بعضی فکر کنند که نهضت برابری طلبی زن و مرد، ایده‌آل و مطلوب غرب است، در حالی که اسلام، کرامت انسانی را از جنسیت، به تقوا واگذار کرده و این نهضت را بسیار پیشتر، آغاز کرده است.

نهضت برابری زن و مرد باید در چارچوب اعتقادات و مبانی دین اسلام، موقعیت و جایگاه درستی پیدا کند، تا زن و مرد وارد حریم آسیب‌پذیری نشوند و ارزشهای انسانی پایدار بماند. تمدن غرب به موجودیت انسان بویژه زن فقط در حد ملاحظات مادی و ابزاری جهت تولید و ثروت‌اندوزی بیشتر توجه می‌کند و این به معنای پایمال کردن کرامت و حرمت انسان است.

به همین منظور دفتر امور زنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای تدوین نقش و کارکردهای حضور محترمانه و با کرامت زنان در عرصه‌های نظامی و امنیتی، همایشی را در سال ۱۳۸۲ تحت عنوان ((نقش و کارکرد زنان در بحران)) برگزار نمود، که حاصل آن در قالب یک مجموعه مقالات به اهتمام دکتر محمد حسین الیاسی و همکاران ایشان، توسط دفتر امور زنان سپاه به چاپ رسید. به منظور

آشنایی بیشتر خوانندگان با این کتاب، مقالات آن به صورت خلاصه به شرح زیر خواهد آمد.

کارکرد و میزان آمادگی زنان ایرانی، برای مقابله با کنشهای جمعی اعتراض آمیز

دکتر محمد حسین الیاسی

بسیاری از صاحب نظران و تحلیل گران سیاسی و اجتماعی بر این باورند که وقوع کنشهای جمعی اعتراض آمیز از ویژگیهای بسیاری از جوامع کنونی است؛ زیرا سیاستها و فرایندهای حاکم بر آن جوامع، مانع از برآوردن برخی موارد و انتقادات برخی از شهروندان می شود. از همین رو، گروههای اپوزیسیون (مخالف) با تدابیر از پیش طراحی شده، شهروندان معترض و ناراضی، از جمله زنان، را تهییج و تحریک به بروز کنشهای ضد امنیتی و مخرب می نمایند.

تجارب کشورهای مختلف، نشان می دهد که نهادهای سیاسی و امنیتی تنها زمانی می توانند معترضان را از استمرار رفتارهای ضد امنیتی باز دارند که از گروههای مختلف از جمله زنان، برای مقابله با آنان بهره گیرند. به کارگیری هر یک از گروهها، مستلزم آگاهی از میزان آمادگی و استقبال آنان برای مقابله با معترضان است. به همین سبب، در یک پژوهش روشمند و ملی، میزان آمادگی دختران و زنان ایرانی برای مقابله با بحرانهای شهری مورد سنجش قرار گرفت. یافته های بیانگر آمادگی نسبتاً بالای زنان و دختران ایرانی برای مقابله با بحرانهای شهری بود. اما تفاوت های معناداری نیز بین زنان استانهای مختلف و نیز زنان بسیجی، سپاهی و عادی وجود داشت.

در این پژوهش، موضوعاتی همچون: مبانی نظری، انواع رفتارهای اجتماعی، تبیین نظری کنشهای جمعی، نظریه جماعت متمرکز، نظریه روان تحلیل گری،

نظریه محرومیت نسبی و نظریات روانشناسی اجتماعی، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و در هر بخش با استفاده از نظریات صاحب‌نظران مباحثی در راستای هدف مقاله مطرح می‌شود.

در این پژوهش آمادگی زنان ایرانی برای مقابله با معترضان و گروه‌های مخالف نظام مورد سنجش قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که اندکی بیش از ۵۰ درصد زنان ایرانی برای مقابله با مخالفان ((آمادگی کامل)) دارند. حدود ۳۰ درصد مرددند و تمایلی برای همکاری ندارند. همچنین نتایج، بیانگر آمادگی بیشتر زنان بسیجی، در مقایسه با دو گروه دیگر است. علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهد که اغلب زنان با این ادعا که (در شرایط بحرانی کاری از زنان ساخته نیست) مخالفند.

نکته قابل توجه در این پژوهش نتایج مربوط به مقایسه استانها است؛ زیرا نتایج نشان داده است که:

اولاً؛ تنها میزان آمادگی زنان استان کرمانشاه کمتر از گزینه ((تا حدودی موافق)) است.

ثانیاً؛ میزان آمادگی زنان تهرانی و خوزستانی بیش از زنان سایر استانهاست. ثالثاً؛ میزان آمادگی زنان کرمانشاهی، کردستانی و مازندرانی در کمترین حد و آمادگی زنان سایر استانها در حد متوسط است.

همچنین نتایج حاصل از بررسی رابطه ((آمادگی برای مقابله با دشمنان داخلی)) با چند پارامتر دیگر، بیانگر این موضوع است که این رابطه تنها با میزان اعتماد به مسئولان قابل توجه است؛ زیرا بین مؤلفه ((مقابله با دشمنان داخلی)) و ((اعتماد به مسئولان)) همبستگی معنی‌دار ($r=0/21$) وجود دارد؛ یعنی نتایج با

افزایش اعتماد به مسئولان (تا حدودی)، میزان آمادگی برای مقابله با شورشگران و مخالفان افزایش می‌یابد.

رابطه ویژگیهای شخصیتی زنان ایرانی و میزان آمادگی آنها برای مقابله با بحرانها فاطمه سوری

شخصیت، با ثبات‌ترین بخش سازمان روانی هر انسان است؛ زیرا در فرآیندی طولانی و بر اثر عوامل مختلف تعالی می‌یابد. از این رو برای پیش بینی رفتار، داده‌های مربوط به شخصیت هر فرد و ویژگیهای شخصیتی او در زمره معتبرترین و پایانی‌ترین داده‌ها به شمار می‌آیند.

تحقیقات نشان داده است که بین ویژگیهای شخصیتی زنان و آمادگی آنان جهت شرکت در فعالیتهای سیاسی، اجتماعی و امنیتی رابطه معناداری وجود دارد.

به همین سبب چهارویژگی توانایی ذهنی و میزان آمادگی، سلامت روانی، احساس مسئولیت و مهار خود و اعتماد به نفس در یک گروه ۲۰۰۰ نفری زن؛ متشکل از: ۲۲۶ نفر پاسدار، ۵۵۳ نفر بسیجی، ۱۲۳۵ نفر عادی، مورد سنجش قرار گرفت. سپس رابطه آنها با میزان آمادگی زنان جهت مقابله با بحرانهای سیاسی بررسی شد. عمده نتایج این بررسی عبارتند از:

۱- ۷۲٪ از پاسخ دهندگان اظهار داشتند که اخبار رادیو و تلویزیون را پی‌گیری می‌کنند، ۷۳٪ علاقه‌مند مطالعات علمی‌اند، اما تنها نیمی از آنان روزنامه می‌خوانند و ۶۴٪ آنان اهل مطالعه هستند.

۲- سلامت روانی زنان مورد بررسی با چهار گونه مورد بررسی قرار گرفت و ۵۲٪ پاسخ دهندگان اظهار داشتند که واجد هیچ یک از چهار نشانه روانی مورد

بررسی نیستند، در حالی که ۲۲٪ آنان از آن نشانه‌ها رنج می‌برند و ۱۶٪ تا حدود کمی رنج می‌برند.

۳- میانگین احساس مسئولیت و توانایی مهار خود در حد یکی از سه گروه زنان محاسبه کرده‌اند.

۴- میزان اعتماد به نفس زنان در ارتباط با جنگ، با یک مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. و نتیجه این بود که بعضی از آنها معتقدند زنان ایرانی اصلاً برای کارهایی مثل جنگ و نظایر آن ساخته نشده‌اند.

بنابراین به کارگیری زنان در بحرانها، تنها زمانی موفقیت آمیز خواهد بود، که میزان خودباوری و اعتماد به نفس آنان تعالی یابد. آشکار است که لازمه افزایش خود باوری و اعتماد به نفس نیز کاستن از احساس درماندگی آموخته شده و افزایش سطح سلامت روانی است. افزون بر این تفاوت‌های موجود بین زنان بسیجی، سپاهی و عادی گواهی بر این واقعیت است که فراهم ساختن شرایط پذیرش اجتماعی و تمرین در حیطه‌های مختلف امنیتی، می‌تواند این زنان را برای حضور فعال و پر اثر آماده نماید.

میزان آمادگی زنان ایرانی برای مقابله با تهدیدات خارجی

پروین شریعتی

جنگ و درگیری از ابتدای خلقت انسان و در طول تاریخ ادیان الهی به شیوه‌های مختلف وجود داشته و این درگیری همواره بین ارزشهای فطری انسان و هواهای نفسانی برقرار بوده است.

دفتر امور زنان سپاه با توجه به نقش آفرینی چند دهه گذشته زنان دنیا، اعم از زنان کشورهای اسلامی و کشورهای غربی و شرقی در بحرانهای مختلف و ایفای

نقش در مشاغلی همچون مددکاری، امدادگری، پزشکی و خدماتی و گسترش نقشهای خود به قلمروهای امنیتی نظیر جاسوسی، جمع‌آوری اطلاعات، جنگ روانی و شرکت در رزم؛ با انجام پژوهشی تحت عنوان ((بررسی کارکردهای زنان در مقابله با تهدیدات خارجی)) در صدد پاسخ به این سوال برآمد.

در این پژوهش به منظور بررسی میزان آمادگی زنان ایرانی برای ایفای نقش در فعالیتهای امداد، پرستاری، جمع‌آوری آذوقه، خیاطی، آشپزی، رانندگی، فنی، جمع‌آوری اطلاعات، نگهداری مسلحانه از مراکز دولتی و نبرد مسلحانه با دشمن، نمونه‌ای به جمعیت ۲۲۰۰ نفر از ۸ استان (خوزستان، اصفهان، آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، تهران، مازندران و سمنان) و در سه گروه آزمودنی شامل زنان بسیجی (تمامی اعضاها) زنان شاغل در سپاه و زنان غیربسیجی و غیرشاغل در سپاه (عادی) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل با استفاده از نرم افزار spss در دو بخش مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار گرفت.

الف) کنشهای زنان به هنگام بحران خارجی (جنگ)؛

۱- کمک به مردان در جنگ با دشمن ۲- نبرد مسلحانه زنان با دشمن

ب) کنشهای ضد بحران خارجی زنان (خنثی سازی بحران).

میزان آمادگی زنان ایرانی برای ایفای نقش در حیطه‌های مختلف مربوط به بحران مهمترین یافته‌های پژوهش عبارتند از :

- بالاترین میزان آمادگی (آمادگی خیلی زیاد) در حیطه‌های خیاطی با ۷۴/۶ درصد، آشپزی با ۷۱/۴ و جمع‌آوری آذوقه و خدمات با ۶۴/۱ درصد به دست آمده است.

- کمترین میزان آمادگی مربوط به حیثه‌های مسائل فنی و نگرانی از مراکز دولتی با اسلحه و شرکت در جنگ مسلحانه است.
آمادگی زنان برای مقابله با تهدید خارجی - حدود ۷۰٪ پاسخ دهندگان آمادگی کامل خود را برای همکاری در مقابل حمله خارجی اعلام کردند.
- ۱۸/۵ درصد در همکاری کردن احساس تردید داشتند.
- از بین سه گروه میزان آمادگی بسیجیان (با حدود ۸۰ درصد) برای مقابله با حمله خارجی بیش از دو گروه دیگر است.
- میزان آمادگی زنان سپاهی برای مقابله با حمله خارجی کمتر از دو گروه دیگر است.

رابطه آمادگی برای انجام کنشهای ضد بحران خارجی با متغیرهای اساسی:
۸۰ درصد از زنان، آمادگی خود را جهت شرکت در راهپیمایی علیه مخالفان اعلام کردند و تنها ۲۰ درصد آنان آمادگی ((خیلی کم)) و ((هیچ)) اعلام نمودند.
زنان بسیجی آمادگی بیشتری نسبت به زنان سپاهی و زنان عادی داشتند.
تفاوت زنان متأهل و مجرد برای انجام کنشهای مقابله با بحران خارجی:
میزان آمادگی دختران مجرد برای انجام کنشهای ضد بحران خارجی اندکی بیشتر از زنان متأهل است. اما این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار نیست.
رابطه سابقه حضور در جنگ تحمیلی و آمادگی برای مقایسه با کنشهای بحران خارجی:

- میزان آمادگی زنانی که سابقه حضور در جنگ دارند، برای شرکت در کنشهای مقابله با بحران خارجی بیش از زنان بدون سابقه است.
میزان آمادگی گروههای سنی مختلف برای نبرد مسلحانه با دشمن:
بین گروههای سنی مختلف در آمادگی برای نبرد با دشمن تفاوت وجود دارد.

این مقاله به حوزه فعالیتهای زنان در کشورهای اسلامی می‌پردازد و بیان می‌کند که در کلیه جوامع اسلامی رفتار زنان در دوران جنگ و مقاومت مسلحانه از الگوی خاصی پیروی می‌کند. آنان در پاسخ به بحرانهای ملی در امور جنگ و مقاومت مسلحانه از طریق ایفای نقشهای حمایتی و حتی رزمی سهم می‌شوند. در تمامی کشورها و جنبشهای مذکور، زنان مسلمان از مردان حمایت معنوی به عمل می‌آورند و برای افزایش آگاهی اجتماعی، حمایت مالی و به عهده گرفتن وظایفی که عمدتاً مختص مردان است، جایگاه مرد را بهبود می‌بخشند.

جنگ نوعاً نرم‌های فرهنگی را دچار دگرگونی می‌کند. بنابراین زنان علاوه بر عهده‌دار شدن وظایف مردان در طول جنگ، در پشت جبهه نیز توانایی خود را نشان داده‌اند. نقش زنان مسلمان در قرن بیستم و در حقیقت در طول تاریخ در دفاع از خانه و کشورشان کمتر از نقش زنان غرب نبوده است. وقتی زنان مسلمان در صدد واکنش به بحرانهای ملی برمی‌آیند، حوزه‌های عمومی و خصوصی، در نتیجه جابجایی قابل توجه نقش زنان و مردان مجدداً تعریف می‌شود. زنان مسلمان با ایفای نقشی فراتر از همسری و مادری، پرستاری، کشاورزی، صنعتگری، آموزگاری، عامل اطلاعاتی و رزمندگی، طبقه‌بندی آسان و تعبیرات ساده را به چالش می‌طلبند.

رابطه مشارکت اجتماعی - سیاسی - امنیتی زنان ایرانی و میزان آمادگی آنان برای مقابله در بحرانها

محمد رضا قربانی

نگارنده مقاله، ضمن بررسی یک تحقیق میدانی در این مورد، به این نتیجه رسیده است که میزان آمادگی زنان ایرانی در زمینه مشارکت اجتماعی و

سیاسی در حد مناسبی قرار دارد. در بین سه گروه مورد مطالعه؛ یعنی سپاهی، بسیجی و عادی، برای عضویت در یک انجمن محلی دو گروه اخیر تمایل بیشتری از خود نشان دادند. این در حالی است که زنان بسیجی تمایل بیشتری به انجام کارهای نوع دوستانه و شرکت در انتخابات (نماینده شهر) دارند. تمایل به فعالیت در کارهای بشردوستانه در زنان ایرانی بیشتر از سایر گرایشهاست (حدود ۹۰ درصد). کمترین تمایل در بین زنان ایرانی، برای شرکت در راهپیمایی محلی ذکر شده است. (حدود ۴۵ درصد).

نظرات کارشناسان و نخبگان جامعه پیرامون به کارگیری زنان در بحرانها

دکتر محمد حسین الیاسی

نویسنده در این پژوهش ضمن بررسی یک نمونه انجام شده، یافته‌هایی به دست آورده است و از اطلاعات به دست آمده چنین نتیجه‌گیری می‌نماید که: بسیاری از کارشناسان مرد جامعه با حضور زنان در ابعاد غیر خشونت‌آمیز بحران‌ها موافق‌ترند و تمایلی به حضور زنان در قلمروهای نظامی و خشونت‌آمیز بحرانها ندارند.

اغلب مردان جامعه، نگاه مثبتی به نقش زنان در بحرانها ندارند؛ زیرا آنان معتقدند که زنان به هنگام بحران می‌توانند خیاطی کنند، آشپزی نمایند، البسه سربازان را بشویند، از اطفال و بازماندگان مراقبت کنند و به مداوای مجروحان پردازند. اما کمتر قادرند وارد حیطه‌های صرفاً نظامی و امنیتی شوند؛ زیرا به باور آنان، این حیطه‌ها اساساً مردانه است.

بین نگرش کارشناسان دارای تخصصهای مختلف، پیرامون حضور زنان در بحرانها تفاوت آماری معنی داری وجود دارد. کارشناسان نظامی و متخصصان مسائل اجتماعی و تاریخی، نگرش مساعدتری به حضور زنان در بحرانها دارند. حدود نیمی از کارشناسان مرد بر این باورند که حتی اگر گروهی از زنان جامعه مبادرت به شورش و بحران آفرینی نمایند، مردان باید به مقابله با آنها برخیزند. تنها ۳۰ درصد از آنان معتقدند که برای زنان شورشگر باید از زنان حامی نظام استفاده شود.